

بیانیه کنگره دهم کومه‌له در باره جایگاه کومه‌له در حزب کمونیست ایران

۱- تشکیل حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۶۲ یکی از رویدادهای مهم در حیات سیاسی جنبش چپ و کمونیستی ایران محسوب می‌شود و اگرچه این رویداد پاسخی شایسته به یک ضرورت سیاسی و مبارزاتی بود. با وجود این نبایستی از پیروسی تشکیل این حزب یک نظریه قابل تعمیم در مورد تشکیل احزاب کمونیست، استنتاج کرد و ایجاد آن را باید در چهارچوب شرایط سیاسی یک دوره معین مورد قضاوت قرار داد و موقعیت امروز آن نیز ادای سهم در مبارزه برای غلبه بر پراکندگی کمونیستها و پایان دادن به جدائی کمونیسم از جنبش طبقاتی کارگران دانست.

این حزب در شرایطی تشکیل شد که انقلاب ایران در زیر ضربات حکومت ضدانقلاب اسلامی آخرین نفس‌های خود را می‌کشید. انقلاب ایران داشت از توش و توان می‌افتاد ولی در آن مقطع نه برای ما و نه برای هیچ نیروی اپوزیسیون چنین واقعیتی ملموس نبود. کسی نمی‌خواست این کابوس را باور کند که انقلابی با آن وسعت و عظمت این چنین بوسیله یک جریان ارتجاعی مهار و سرکوب شود. نیروهای چپ و رادیکال ایران بشدت دچار تشقت فکری و سرگردانی شده بودند. سرنوشت انقلاب ایران ضربه سختی بر خلق گزائی که محور تفکر و عمل این چپ بود وارد ساخته بود. هویت «ضد امپریالیستی» و «ضد وابستگی» بسیاری از نیروهای چپ با هیاهوی ضدآمریکایی یک جمهوری اسلامی «غیروابسته» به زیر سؤال رفته بودند. دستگاه فکری‌ای که این چپ را در جستجوی نیروهای «ملی و مترقی» مدام به سمت لایه‌بندی بورژوازی سوق می‌داد در تحلیل و تبیین آنچه که در مقابل دیدگان ناباورش اتفاق می‌افتاد، بیش‌ازپیش سرگردانش کرده بود. دستگیری‌های گسترده، اعدام‌های وسیع، شکنجه‌های وحشیانه، بخشی از سازمان‌های چپ را عملاً منحل و صفوف کل چپ را به هم ریخته و دچار دستپاچگی ناشی از سرکوب کرده بود. در چنین شرایطی تشکیل حزب بوسیله بخشی از نیروهای رادیکال چپ ایران پاسخی انقلابی به این وضعیت نابسامان بود.

اگرچه این حزب در بدو تشکیل فاقد پایه اجتماعی نیرومندی در سطح سراسری بود اما برخلاف آنچه که ادعا می‌شود در تهران و شهرهای بزرگ ایران و در محیط‌های کارگری تا حد معینی تشکیلات و فعالین سیاسی کارگری را با خود داشت و شمار نسبتاً زیادی از فعالین سیاسی و کمونیست طیف موسوم به خط ۳ ایران را دربر می‌گرفت و در کردستان نیز به یک جنبش توده‌ای گسترده‌ای متکی بود، دیدگاه‌های سیاسی و برنامه روشنی داشت. زمینه‌های اجتماعی و سیاسی کار خود را می‌شناخت و بر محدودیت‌ها و نقطه‌قوت‌های آن آگاه بود.

چشم بر نقاط ضعف و کمبودهای خود نبسته بود بلکه مورد انتقادشان قرار می‌داد و می‌کوشید نبردکنان آنها را برطرف کند.

حزب کمونیست افق‌های جدیدی بر روی کومه‌له در کردستان هم گشود. رزمندگی و شور و شوق انقلابی را در صفوف این تشکیلات بالاتر برد و اجازه نداد که عقب‌نشینی‌های نظامی جنبش کردستان افق سیاسی مبارزین آن‌را تیره و تار کند. به کومه‌له در ازسر گذراندن یک دوره سخت و خطیر یاری رساند.

با همه اینها واضح است که ما یک حزب مطلوب کارگری را تشکیل نداده بودیم بلکه تشکیل حزب پاسخ ممکن به یک نیاز مبارزه سیاسی بود که تأخیر بیش از این در جوابگویی به آن جریان ما و شاید کل کمونیسم ایران را زیر فشارهای دشمن در موقعیت بسیار نامساعدتری قرار می‌داد و بازسازی سیاسی و تشکیلاتی آن‌را دشوارتر می‌ساخت. ما به درست، شرایط ایجاد و تامین خصوصیات یک حزب ایده آل را به عنوان پیش‌شرط‌های تشکیل حزب به مانعی برای متشکل شدن بخشی از کمونیست‌های ایران تبدیل نکردیم و گفتیم بوسیله حزب و بطور متشکل بهتر می‌توانیم به سراغ رفع کمبودها و ازجمله ضعیف بودن پایه کارگری آن برویم.

پس از تشکیل حزب نیز تشدید حملات ارتجاع و ضربات پی‌درپی پلیسی در سراسر ایران و عقب‌نشینی‌های پی‌درپی جنبش کردستان به مانع بزرگی بر سر راه پیشرفت نقشه‌های تشکیلاتی ما در سراسر ایران و در کردستان نیز تبدیل شدند. شرایط برای کار سراسری حزب روزه‌روز دشوارتر می‌شد. با وجود این بحث برسر چگونگی عبور از این موقعیت و پیوندخوردن با جنبش‌های اجتماعی و کارگری در ایران بحثی به قدمت همه حیات حزب است. از همان فردای تشکیل حزب این مسئله به عمده‌ترین مشغله رهبری آن موقع حزب تبدیل شد و تلاش‌های صمیمانه‌ای هم در این زمینه آغاز شد. اما بحث کارگری کردن حزب در غیاب یک تحلیل واقع‌بینانه سیاسی از اینکه در یک شرایط خفقان و حاکمیت سبعانه پلیسی که امکان فعالیت علنی وجود ندارد، چگونه می‌توان یک حزب با پایه کارگری وسیع ساخت؟ به جای راه‌گشایی به خوراک بحث‌های کشف بدون معنای عملی خاصی تبدیل شدند. هیچگاه این سؤال به طوری جدی مطرح نشد و یا اگر مطرح شد بدان پاسخ درست داده نشد که آیا ممکن است یک حزب هر چند جهت‌گیری‌های درست داشته باشد در شرایط خفقان سیاسی و در غیاب یک جنبش کارگری پر قدرت بتواند به یک حزب توده‌ای کارگری تبدیل شود. حزب کمونیست ایران هیچگاه در شرایطی مشابه آنچه که در سال‌های ۵۷ تا ۶۰ برای کومه‌له بوجود آمد قرار نگرفت تا همه ظرفیت و توانایی‌های خود را عیان سازد و همین حقیقت ساده بود که اراده‌گرایانه نادیده گرفته می‌شد.

۲_ اما این حزب در دو مقطع از حیات خود با کشمکش‌های حاد درونی روبرو شده است که هر دو به انشعاب از آن منجر شده‌اند. انشعاب سال ۱۹۹۰ با این توجیه صورت گرفت که حزب در تحقق هدف اولیه خود که تبدیل شدن به حزب رهبران کارگری و ابزار مبارزه طبقه کارگر

بود ناموفق بوده است و چنین ادعا می شد که به دلیل گرایش‌های مختلفی که در این حزب وجود دارد انشعاب کنندگان امیدشان را به اینکه در چهارچوب این حزب به این هدف نائل شوند را از دست داده‌اند. بحث‌های موافق و مخالف زیادی در زمینه‌های مختلف صورت می‌گرفت اما واقعیت این است که بیشتر آنها با همه اهمیت‌شان ربطی به علل و انگیزه‌های واقعی انشعاب نداشتند. نه فروپاشی اتحاد شوروی، و نه اختلاف نظر برسر ارزیابی از قیام مردم در کردستان عراق، نه ارزیابی‌های متفاوت از عوارض تاکتیکی ناشی از پایان جنگ ایران و عراق، که مضمون بحث‌های درونی و بیرونی آنها را تشکیل می‌دادند، هیچکدام از اینها بخودی خود و به تنهایی توجیه‌گر آن انشعاب نیستند، علت واقعی را بایستی در جای دیگری جستجو کرد.

جدایی‌های سال ۱۹۹۰ اساساً عکس‌العملی بود آگاهانه یا ناآگاهانه که نسبت به تیره شدن افق جنبش توده‌ای در کردستان و آخرین پرده‌های عقب‌نشینی جنبش مسلحانه، نشان داده شد. در آن دوره تشکیلات مسلح ما در کردستان عراق با مشکلات عملی و تاکتیکی خاصی روبرو بود که به راهیابی و چاره‌جویی کنکرت و همبستگی بیشتر و هدایت رهبری حزب نیاز داشت و اکثریت قاطع مبارزین صفوف ما در آن مقطع با آغوش باز از چنین راه‌حلی پشتیبانی می‌کردند. این شرایط تشکیلات ما را با مشکلات عظیمی روبرو کرده بود و شرایط جهانی در مقطع وقوع انشعاب البته خطیر بود اما در زیر سایه تحلیل آن شرایط نمی‌توان واقعیات مادی کنکرتی را که آدم‌های معین در زمان و مکان معین با آن درگیر بوده‌اند را پرده‌پوشی کرد. در آن هنگام که آنان تصمیم به جدائی گرفتند نه تنها تحت تاثیر موج جهانی آنتی‌کمونیسم ناشی از سقوط اتحاد شوروی پشت کردن به آرمان‌های کمونیستی در صفوف ما باب نشده بود، بلکه بازتاب گرایش اجتماعی ناسیونالیستی که در سنت‌ها و پراتیک روزمره تشکیلات خود را نشان می‌داد، در آن موقع ضعیف‌تر از آن بود که توجیه‌گر انشعاب باشد.

آنها با انشعاب غیر مسئولانه خود لطمات بسیار جدی به تشکیلات حزب وارد کرده و در شرایطی که خود همه ارگانهای تشکیلاتی و رهبری حزب را در دست داشتند، به تعهدات و مسئولیت خود پشت کرده و فشار و جنگ روانی ناروایی را بر اعضا و فعالین این تشکیلات تحمیل کردند. آنها انطباق قابل درکی را که می‌بایست با شرایط جدید صورت بگیرد و بطور آگاهانه سازمان داده شود، به هزیمت تبدیل کردند و بدین شکل باعث یأس و دلسردی فراوان در تشکیلات کردستان شدند.

بار دوم در سال ۲۰۰۰ باز عده‌ای حزب کمونیست را برای امر خود مانع و زائد دیدند و با بهانه نامربوط «کم بهادادن کومه‌له به مسئله ملی» راه انشعاب را در پیش گرفتند. اما توضیح واقعی علت حرکت آنها را نه از روی آنچه که خود ادعا می‌کنند بلکه با توجه به بازتاب بیرونی، منافع مادی و جایگاه عینی سیاسی که در آن قرار می‌گیرند، می‌توان استنتاج کرد. همه واقعیات و رویدادهای بعدی و موضع‌گیریهای سیاسی این جریان نشان داد که محتوای واقعی انشعاب آنها از لحاظ ایدئولوژیک کنار گذاشتن برنامه و آرمان کمونیستی و از لحاظ سیاسی هم‌نوایی با اصلاحات بورژوائی در ایران و بازتاب آن در کردستان بود. این تغییرات

سیاسی در ایران بود که افق‌های جدیدی را بروی انشعابیون گشود و آن‌ها را به وسوسه تغییر استراتژی و خط مشی کومه‌له انداخت و چون در این کار توفیق نیافتند راه انشعاب را پیمودند. سازمان دهندگان این انشعاب که از مدت‌ها پیش برای «تسخیر کومه‌له» از کانالهای نامشروع کار می‌کردند و به شکل توطئه‌گرانه‌ای طرح انشعاب‌شان را ریخته بودند، با این کار خود به جنبش انقلابی خلق کرد و به تشکیلات کومه‌له لطمه زدند.

۳- اکنون نزدیک به دو دهه از تشکیل حزب کمونیست ایران می‌گذرد، شرایطی که در آن حزب کمونیست ایران ایجاد شد بسیار عوض شده است طی این دو دهه، چه در سطح جهان و چه در سطح ایران تغییرات زیادی اتفاق افتاده است فروپاشی اردوگاه شوروی، پایان مدل اقتصاد دولتی در جهان سوم، از توش و توان افتادن جنبش‌های ضدامپریالیستی و سربرکردن نئولیبرالیسم و غیره. در سطح ایران نیز شرایط کار ما بسیار دگرگون شده و تغییرات بزرگی اتفاق افتاده است. ظرف این ۲۰ سال جمعیت ایران تقریباً دوبرابر شده، مسایل اجتماعی ایران امروز نسبت به ۲۰ سال پیش کاملاً تازه است. سازمان‌ها و تفکر چپ انقلاب ۱۳۵۷ بیش از ۲۰ سال است که در جامعه فرصت عرض‌اندام وسیع نداشته و بجایش انواع فعالیت‌های فکری و اجتماعی دیگر جایگزین فعالیت صریح سیاسی چپ رادیکال شده است. شهرنشینی و باسوادی افزایش یافته، این شرایط کار جدید امروز ما را در وضعیت کاملاً متفاوتی نسبت به سال‌های اول فعالیت حزب کمونیست قرار داده است.

امروز در شرایطی که بورژوازی جهان ما را بسرعت بسوی فلاکت و تباهی سوق می‌دهد و سوسیالیسم تنها بدیل در پاسخ به جهنمی است که سرمایه داری انسان را بدان گرفتار ساخته است، ایجاد صف مبارزه متحدانه کاگری و کمونیستی در هر کشوری بیش از هر زمان دیگری به یک نیاز سیاسی عاجل تبدیل شده است. در چنین شرایطی شناخت وضعیت جدید و وظایف عظیمی که بر دوش ما قرار گرفته است و چشم انداز روشنی که پیش‌روی جنبش سوسیالیستی قرار دارد، همه اینها بیش از پیش بر ضرورت حفظ حزب کمونیست ایران تاکید دارند.

در عرصه کردستان نیز از زاویه مبارزه و زندگی مردم کارگر و زحمتکش وجود حزب کمونیست ایران و فعالیت در این قالب حیاتی است. در عصری که ناسیونالیسم به کمک همه ذخایر فرهنگی و سیاسی و برنامه‌ای خود به تفرقه در میان صفوف کارگران متعلق به ملیت‌های مختلف دامن می‌زند و ما هرروزه شاهد فجایعی هستیم که تحت برنامه‌ها و خط‌مشی‌های سیاسی ناسیونالیستی در نقاط مختلف دنیا روی می‌دهد در اینجا در کردستان اتکاء به یک حزب و سازمان سراسری و کمونیستی می‌تواند به طور مؤثرتری به تقویت همبستگی طبقاتی کارگران کرد و غیرکرد کمک کند و از زاویه مصالح طبقاتی حال و آینده کارگران کرد و غیرکرد نیز ادامه فعالیت تحت نام حزب کمونیست ایران ضروری است. ما از این سنگر بهتر می‌توانیم به مقابله با آن حرکت رفرمیستی که بورژوازی ایران سردمدار آن است و می‌خواهد بحران سیاسی و اقتصادی جامعه ایران را از این طریق به نفع خود فیصله دهد، مبارزه کنیم. فعالیت در چهارچوب حزب کمونیست ایران و حضور در جبهه عمومی مبارزه

برعلیه جمهوری اسلامی ما را در موقعیت بسیار بهتری برای خنثی کردن پروژه‌های بورژوازی ایران که برعلیه جنبش رفع ستم ملی در جریان است قرار می‌دهد. اگر حجم تحرک بورژوازی را در این جبهه برای به بیراهه کشیدن مبارزات مردم کردستان که این روزها در جریان است، در نظر بیاوریم اهمیت کار در این عرصه را بهتر درمی‌یابیم و بالاخره از لحاظ ضرورت حل مسئله ملی کرد به شیوه اصولی و مفید به حال کارگران و جامعه موجود کردستان، کومه‌له در چهارچوب حزب کمونیست ایران بهتر می‌تواند استراتژی و برنامه خود را برای حل مسئله ملی پیگیری کند. حزب کمونیست ایران مستقل از ارزیابی گذشته آن و مستقل از مسایل سازمانی امروزی آن، بخاطر واقعیت‌های فوق وجودش ضروری است.

کنگره دهم کومه‌له اعلام می‌دارد در تاریخ حیات سیاسی تا کنونی این حزب چیزی جز خدمت به آرمان‌های انسانی و سوسیالیستی ثبت نخواهد شد و امروز نیز از کف‌دادن این پرچم و این ابزار چیزی جز گام برداشتن به عقب نیست. و باقی ماندن کومه‌له در این چهارچوب هم کومه‌له را در موقعیت بهتری برای تحقق استراتژی خود در جنبش کردستان، قرار می‌دهد و هم کل جریان چپ و کمونیستی ایران را در جهت پیوند خوردن با جنبش طبقاتی کارگران و شکل دادن به بدیل کارگری در این راه تقویت می‌کند. ما با شور و امید به استقبال این افق می‌رویم.